



توراه اور • پاراشاها ویצא • مامار 5

וישכם לבן בבקר וינשק לבניו ולבנותיו ויברך אתהם כו'

«و لا بان صبح زود برخاست و پسران و دخترانش را بوسید»



تقديم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربّه، رب لیوی ییتسخاک

LikuteiTorah.com



پاراشای حسیدی

/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/vayeitzei/5

1 **ویشکم לבן בבקר وینשק לבניו ולבנותיו ויברך אתהם כו'. הנה כתיב לך ה' הגדולה והגבורה כו'.**

«وَلَابَانَ (لَبَن) بامدادان برخاست، پسران و دخترانش را بوسید و آنان را برکت داد، و غیره.»

בלשון נקבה שהם בחי' מקבליں מאור א"ס ב"ה כי באור א"ס ב"ה בעצמו לא שייך לשון גדולה שבמקום גדולתו כו'.

اکنون نوشته شده است: «بزرگی و قدرت، ای ه'، از آن توست، و غیره»؛ این واژه‌ها به صورت مؤنث آمده‌اند، زیرا آن‌ها مرتبه دریافت‌کنندگان از نور بی‌پایان (اور אין سوف، Or Ein Sof)، متبارک باد او، هستند. زیرا خود نور بی‌پایان، متبارک باد او، را نمی‌توان «بزرگ» خواند؛ چراکه «در جایگاه بزرگی او، و غیره»؛

2 **وهנה גדולה היא מדת אברהם וכמ"ש ואגדלה שמך. וזהו שאומרים אלקי אברהם כו' ושבתו של הקב"ה הוא שכך ענוותנותו ית' כו' שנמשך ונתפשט אור א"ס ב"ה כ"כ [כל כך] עד שיהיה שורה ומתגלה במדת אברהם אוהבי כו'.**

اکنون، بزرگی صفت ابراهیم (آبراهم) است، چنان‌که آمده است: «و نامت را بزرگ خواهم کرد.» و این [معنای] آن چیزی است که می‌گوییم: «**آلکی آبراهم** و جز این‌ها.» و ستایش قدوس متبارک (קב"ה / קודשא בריך הוא، Kudsha Brich Hu) این است که فروتنی او چنین است، تبارک باد، و جز این‌ها؛ نور بی‌پایان (اور אין سوف، Or Ein Sof)، متبارک باد، چنان فروکشیده و گسترده می‌شود که در صفت ابراهیم، «که مرا دوست می‌دارد»، قرار گیرد و آشکار شود، و جز این‌ها.

3 **وهנה האבות הן הן המרכבה שהיו כל ימיהם בבחי' בטול כו' ועי"כ [ועל ידי כך] זכו להשראת השכינה אור א"ס ב"ה בגילוי ממש שיהיה אור א"ס ומדותיו הם המתגלים בנפשם אברהם אוהבי ופחד יצחק כו'.**

اکنون، پدران خود مرکب‌اند؛ زیرا در تمام روزگار زندگی‌شان در حال خودنهی‌گری (ביטול، bittul) بودند و مانند آن؛ و از این راه، شایسته سکونت حضور الهی (שכינה، Shechinah) شدند: نور بی‌پایان (اور אין سوف، Or Ein Sof)، که متبارک است، به‌گونه‌ای آشکار و بالفعل در آنان حاضر شد؛ چنان‌که این نور بی‌پایان و صفاتش بودند که در جان‌هایشان آشکار می‌شدند: «ابراهیم (آبراهم)، دوستدار من» و «هیبت اسحاق (יצחק)» و مانند آن.

4 והן הן מדות גדולותיו וגבורותיו של הקב"ה עצמו שנמשך ונשתלשל למטה על ידיהם להיות גילוי אור א"ס ב"ה בכלל נפשות ישראל בבחי' גילוי ממש ולא במחשבה בעלמא שכל ישראל מאמינים בני מאמינים כו'

و اینها خود، صفات عظمت و قدرتِ ه' هستند؛ صفاتی که به واسطهٔ پدران به پایین کشیده و نازل شدند تا نور بی‌پایان (اور ایך سوف، Or Ein Sof)، متبارک باد، در عموم نفوس اسرائیل به صورت تجلی ای بالفعل آشکار شود، نه صرفاً در اندیشه؛ زیرا همهٔ اسرائیل «باورمندند، فرزندانِ باورمندان» و الی آخر.

כי המחשבה היא ברשותו של אדם אל כל אשר יחפוץ יטנו והחפץ ימלא את לבו ומחשבתו להטותה פעמים כך ופעמים כך.

زیرا اندیشه در اختیارِ خودِ انسان است: «به هر سو که بخواهد، آن را می‌گرداند»؛ و خواست می‌تواند دل و اندیشهٔ او را پُر کند و آن را گاه به این سو و گاه به آن سو متمایل سازد.

5 וצריך שיהיה החפץ והרצון תקוע במקום נאמן והוא ע"י הדעת והכרה בבחי' הרגשה כאלו רואה כו' וכמארז"ל [وكمأمر ربوتینو זכرونם לברכה] על אברהם אבינו ע"ה [עליו השלום] שהכיר את בוראו כו'.

و میل و اراده باید در «جایی استوار» جای گیرد؛ و این از طریق شناخت (دעת، Daas) و تشخیص حاصل می‌شود، به صورت ادراکی محسوس، گویی انسان می‌بیند و الی آخر؛ چنان‌که حکیمان ما، یادشان گرامی باد، دربارهٔ پدرمان ابراهیم (آברהם)، که آرامش بر او باد، گفتند که آفریدگارش را شناخت و الی آخر.

אך המשכת גילוי זה מבחי' מעלת ומדרגת האבות עצמם כו' כי האבות היו בבחי' מרכבה דאצי' דאיהו וגרמוהי חד ולא כל נפש תוכל שאת גילוי זה.

اما پایین‌آوردن این تجلی از مرتبه و درجهٔ خودِ پدران، و الی آخر، [برای هر نفسی میسر نیست]؛ زیرا پدران مرکبِ عالمِ صدور (آצילות، Atzilus) بودند؛ جایی که «او و ظرف‌هایش (آیهو وגרמוהי، ihu vegarmohi) یکی‌اند»، و هر نفسی تابِ تحمل این تجلی را ندارد.

אבל להיות גילוי זה נמשך ונשתלשל בבי"ע ששם מושרשות נפשות כלל ישראל הוא ע"י בחי' ומדרגת השבטים

اما برای آن‌که این تجلی به عوالمِ آفرینش (ברیאה، Beriah)، صورت‌بخشی (יצירה، Yetzirah) و عمل (עשיה، Asiyah) کشیده و نازل شود، جایی که نفوس همهٔ اسرائیل ریشه دارند، این امر از طریق مرتبه و درجهٔ قبایل انجام می‌شود.

כי שבט הוא לשון המשכה כמו כוכבא דשביט וגם לשון שבט וענף מן האילן הגדול שהם בבחי' מרכבה לעלמא דאתגליא בבחי' (הים)

זیرא قبيله (שבט, shevet) بر کشیده شدن دلالت دارد، چنان که در ستاره دنباله دار (کوکבא דשביט, kochva deshavit)؛ و نیز واژه ای برای چوب دستی و شاخه ای از درخت بزرگ است.

עמד על י"ב בקר הם בחי' י"ב שבטים כנגד ארבע חיות המרכבה פני אדם כו'

زیرا آنان مرکبی برای جهان آشکار (עלמא דאתגליא, alma de'isgalya) هستند؛ در جنبه «دریا» که «بر دوازده گاو ایستاده بود»، و آن‌ها همان دوازده قبیله اند، متناظر با چهار موجود زنده مرکب (حיות, Chayos)، یعنی صورت انسان و الی آخر.

וכל א' כלול מג' אבות הרי י"ב ומשמם נמשך השפעת והמשכת גילוי אלקותו ית' בכלל הנפשות של ישראל שבחי' ומדרגת השבטים יכולים כל ישראל שאת בנפשם.

و هر یک شامل سه پدر است، پس دوازده می شوند؛ و از آنجا تأثیر و امتداد تجلی الوهیت او، متبارک باد، به طور کلی در نفوس اسرائیل جریان می یابد؛ زیرا همه اسرائیل می توانند مرتبه و درجه قبایل را در جان های خود تاب آورند.

וזהו שאמר הנביא על הגלות (ונתקן בתקון חצות) למה תתענו ה' מדרכך תקשיח לבנו מיראתך שוב למען עבדיך שבטי נחלתך.

و این است معنای سخن پیامبر درباره تبعید – که در تیکون چتسوس (Tikkun Chatzos, تיקון חצות) گنجانده شد :- «چرا، ה'، ما را از راه های به بیراهه می بری و دل ما را از هیبت تو سخت می گردانی؟ به خاطر بندگان بازگرد، یعنی قبایل میراثت.»

פי' מדרכך מדת אברהם שנאמר עליו (בראשית יא) הלך ונסוע הנגבה כו' ומיראתך מדת יצחק כו'

توضیح: «از راه های» به صفت ابراهیم اشاره دارد که درباره اش گفته شده است (בראשית 11): «می رفت و به سوی جنوب سفر می کرد» و الی آخر؛ و «از هیبت تو» به صفت اسحاق (יצחק) اشاره دارد و الی آخر.

וקובל הנביא למה תתענו ותקשיח לבנו ממדת אברהם ויצחק להיות רחוקים מאור פני ה' שיתגלה עלינו ולהיות בגלות אדום הם ענייני עוה"ז כו'

و پیامبر می نالد: چرا ما را به بیراهه می بری و دل ما را نسبت به صفت ابراهیم (آברהם) و اسحاق (יצחק) سخت می گردانی، تا از آشکار شدن نور چهره ه' بر ما دور بمانیم و در تبعید اودم، یعنی اشتغالات این جهان، باشیم و غیره؟

על כל פנים שוב למען עבדיך שבטי נחלתך כלומר שעם היות שבחי' מעלות ומדרגת האבות עצמם אינו שורה ומתגלה בנפש האדם בגלות אבל ע"י השתלשלו' [השתלשלות] בחי' ומעלת השבטים יוכל להיות גילוי זה בכל נפש מישראל:

בاین‌همه: «به‌خاطر بندگانت بازگرد، قبایل میراثت»؛ یعنی، هرچند مرتبه و درجه خود پدران در تبعید در جان انسان قرار نمی‌گیرد و آشکار نمی‌شود، باین‌حال از طریق زنجیره نزول مرتبه و مقام قبایل (השתלשלות, hishtalshelus)، این آشکارشدن می‌تواند در هر جان یهودی حضور یابد.

6 והנה מדתו של יעקב אבינו ע"ה [עליו השלום] היא בחי' הרחמים העליונים שאפילו על כל עולמות שייך ונופל בחינת הרחמנות כו'

اکنون، صفت پدرمان یعقوب (יעקب)، علیه‌السلام، مرتبه رحمت‌های برین است؛ زیرا کیفیت شفقت حتی درباره همه عوالم نیز جاری و صادق است، و غیره؛ چنان‌که در جای دیگری توضیح داده شده است.

כמ"ש במ"א ומדרגות השבטים יוצאי ירך יעקב הם במדרגה שלמטה הימנו דהיינו לעורר רחמים רבים על ניצוצין אלקות השורה בנפשו

و مراتب قبایل، «که از ران یعقوب بیرون آمدند»، مرتبه‌ای پایین‌تر از او دارند؛ یعنی برانگیختن رحمت فراوان بر جرقة الهی‌ای که در نفس آدمی جای دارد،

ע"י התבוננותו בגדולת א"ס ב"ה איך שהוא רם ונשא וכולא קמיה כלא חשיבי ובטול כל הנבראים במקורם ובכללם גם נפשו כשהיתה במקור חוצבה חלק

به‌واسطه تأمل آدمی در عظمت بی‌نهایت مطلق (אין סוף, Ein Sof)، متبارک باد، و در این‌که او چه‌قدر بلندمرتبه و والامقام است و «همه در پیشگاهش هیچ به شمار می‌آیند»، و نیز در خودنفی‌گری (ביטול, bittul) همه آفریدگان در سرچشمه‌شان؛ و در میان آنان، نفس خود آدمی نیز، آن‌گاه که در سرچشمه‌ای بود که از آن تراشیده شده بود،

אלוה ממעל ממש שהיתה בטלה באור א"ס ממש ואיך ירדה פלאים מטה מטה מאיגרא רמא כו' ולפי רבוי ואריכות ההתבוננות כך תגדל הרחמנות ביתר שאת.

«به‌راستی جزئی از ذات الهی برین» بود، آن‌گاه که به‌راستی در نور بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof) در حالت خودنفی‌گری بود؛ و این‌که چگونه به‌طرزی شگفت، پایین و پایین، «از فرازی بلند» فرود آمده است، و غیره. و به‌اندازه فراوانی و طولانی‌بودن تأمل، شفقت نیز با شدتی فزاینده رشد می‌کند.

ועד"ז נתקן כל סדר התפלה ובפסוד"ז [ובפסוקי דזמרה] שכמה פסוקים המספרים בשבחו ש"מ [של מקום] בעילוי אחר עילוי שמזה תגדל הרחמנות על ירידת הניצוץ וריחוקן מאור א"ס ב"ה כנ"ל.

و بر همین اساس، سراسر ترتیب نمازها سامان یافته است؛ در פסוקי דזמרה (פסוקי דזמרה, Pesukei deZimra) [آیات ستایش] نیز آیات بسیاری، که ستایش حاضر همه جا، متبارک باد، را بازمی گویند، اوج گیری ای پس از اوج گیری دیگر را وصف می کنند؛ از این رو، شفقت بر فرود آمدن جرعه و دوری آن از نور بی پایان، متبارک باد، چنان که پیش تر گفته شد، فزونی می یابد.

7 והנה ע"י שמתעורר בחי' הרחמנות באתעדל"ת [באתערותא דלתתא] אתעדל"ע [אתערותא דלעילא] כמו למשל השבט וענף של אילן שכופפין אותו כו' אזי נמשך כל האילן.

اکنون، هنگامی که صفت رحمت به صورت برانگیختگی از پایین (אתערותא דלתתא, isarus dilesata) برانگیخته می شود، [در پی آن] برانگیختگی از بالا (אתערותא دלעילא, isarus dileila) پدید می آید؛ چنان که برای نمونه، چون چوب و شاخه درختی را خم کنند و جز آن، آن گاه تمام درخت نیز کشیده می شود.

כך הוא ע"י אתעדל"ת [אתערותא דלתתא] זו שמבחי' ומדרגת השבטים גורם אתעדל"ע [אתערותא דלעילא] בחי' רחמים רבים להיות נמשך גילוי אור א"ס ב"ה ובחי' מעלות ומדרגות האבות בבחי' גילוי ממש בנפשו דהיינו בחי' דעת והרגשה כאילו רואה כו'.

همچنین، به واسطه این برانگیختگی از پایین، از مرتبه و درجه اسباط، برانگیختگی از بالا پدید می آید؛ یعنی مرتبه رحمت بسیار، تا تجلی نور بی پایان (اور אין سوف, Or Ein Sof) (متبارک باد او)، و نیز مرتبه و درجات پدران، به صورت تجلی ای بالفعل در نفس انسان فرود آید؛ یعنی مرتبه شناخت (دעת, Daas) و احساس حضوری، گویی انسان آن را می بیند و جز آن.

וכמאמר אבינו אב הרחמן רחם נא עלינו ותן בלבנו בינה כו' שכדי להיות ללבנו מכוון וכסא להשראת בינה ودעת בבחי' הרגשה בלב הוא ע"י הרחמנות

چنان که در دعا آمده است: «ای پدر ما، ای پدر رحیم، بر ما رحم فرما و فهم (بیנה, Binah) را در دل هایمان قرار ده و جز آن»؛ زیرا اینکه دل ما جایگاه و عرشی برای سکونت فهم و شناخت، به صورت احساسی در دل، شود، از رهگذر رحمت است،

כי הרחמנות והדעת تلוי זה בזה. וכמארז"ל [وكمأمر ربوتینو זכرونם לברכה] (ברכות לג.) כל מי שאין בו דעה כו':

زیرا رحمت و شناخت به یکدیگر وابسته اند. چنان که حکیمان ما، یادشان گرامی، گفته اند (برכות 33a): «هر کس که شناخت ندارد و جز آن».

8 אך הנה גם לבחי' אתעדל"ע [אתערותא דלעילא] שיהי' [שיהיה] תלוי באתעדל"ת [באתערותא דלתתא] זו צ"ל בחי'

המשכה מלמעלה והמשכה זו היא ממקור הרחמים עליונים שלמעלה מעלה מסדר השתלשלות ששם מקור ושרש הרחמים מה שאינו מושג ונתפס בסדר השתלשלות כלל

בاین‌حال، حتی برای آن‌که برانگیختگی از بالا (אתערותא דלעילא, isarusa dileila) به این برانگیختگی از پایین (אתערותא דלתתא, isarusa dilesata) وابسته باشد، باید افاضه‌ای از بالا به پایین صورت گیرد؛ و این افاضه از سرچشمهٔ رحمت‌های برین است، سرچشمه‌ای که بسیار بسیار فراتر از نظم زنجیرهٔ نزولِ عوالم (השתלשלות, hishtalshelus) قرار دارد؛ زیرا سرچشمه و ریشهٔ رحمت در آنجاست، و آن سرچشمه و ریشه در نظم השתלשלות به‌هیچ‌وجه درک یا دریافت نمی‌شود.

וכמאמר אלקי עולם ברחמיך הרבים ברחמיך דייקא כו' וכמ"ש במ"א וזהו וישכם לבן בבקר פי' לבן דקדושה הוא בחי' לובן העליון דהיינו בחי' אור עצמותו

چنان‌که در دعا آمده است: «ای ه'! جهان، به رحمت‌های فراوانت»؛ «به رحمت‌های خودت» - مشخصاً [مقصود است]، و الی آخر، چنان‌که در جای دیگری توضیح داده شده است. و این [معنای] «و لَوَان (لَبَن, Lavan) سحرگاهان برخاست» است. توضیح: لَوَانِ قدوسیت، مرتبهٔ سپیدی برین است؛ یعنی مرتبهٔ نور ذات و حقیقت نور بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof)، که متبارک است.

ומהותו של אא"ס [אור אין סוף] ב"ה כמשל מראה וגוון לבן שאינו דומה לכל המראות וגוונים שהגוונים שלהם נתהוו ע"י צבע משא"כ מראה וגוון לבן הוא עצמות הדבר ומהותו שלא נשתנה ולא נתהווה ע"י צבע.

چنان‌که در تمثیل جلوه و رنگ سفید می‌بینیم: سفید مانند هیچ‌یک از جلوه‌ها و رنگ‌های [دیگر] نیست؛ رنگ‌های آن‌ها به‌واسطهٔ رنگ‌آمیزی پدید آمده‌اند، حال آن‌که جلوه و رنگ سفید خود ذات و حقیقت آن چیز است؛ نه دگرگون شده و نه به‌واسطهٔ رنگ‌آمیزی پدید آمده است.

9 וכן הוא עד"מ אור א"ס ב"ה בעצמו ובכבודו دلית בי' [ביה] בחינת גוونין כלל دلית מחשבה תפיסא בי' [ביה] ואני ה' לא שניתی כתיב.

و همین‌گونه است، به‌عنوان تمثیل، دربارهٔ نور بی‌پایان (אור אין סוף, Or Ein Sof)، مبارک باد او، در ذات و جلال خویش؛ در او هیچ جنبه‌ای از رنگ‌ها نیست، زیرا «هیچ اندیشه‌ای به او دست نمی‌یابد»؛ و نوشته شده است: «من، ה'، تغییر نکرده‌ام.»

**ولكن كتيب והחליף את משכורת עשרת מנים אם כה יאמר נקדים כו'. שכל הבחי' עקודים ונקודים
נתהוו ונשתלשלו ממנו ובירידתם והשתלשלם הם נקראים בשם עקודים ונקודים**

ازاین رو نوشته شده است: «مزد مرا ده بار تغییر داد؛ اگر چنین می گفت: "خال دار..."»؛ زیرا همه مراتب حلقه دار (عقودیم, akudim) و خال دار (נקודים, nekudim) پدید آمدند و از او نزول کردند؛ و هنگام نزول و سلسله مراتب نزولشان، «حلقه دار» و «خال دار» نامیده می شوند؛

**משא"כ בראשיתם ומקורם הם בטלים ונכללים ואינם עולים בשם כלל ולכן יכול הוא להפך מבחי'
עקודים לבחי' נקודים ומנקודים לעקודים ואין זה שינוי לפניו ית' כב"י [כביכול] מאחר**

اما در آغاز و سرچشمه خود، باطل و در آن مندرج اند و اصلاً به نامی خوانده نمی شوند. ازاین رو او می تواند [آنها را] از مرتبه حلقه دار به مرتبه خال دار و از خال دار به حلقه دار تبدیل کند؛ و این، به اصطلاح، در پیشگاه او، مبارک باد، دگرگونی نیست.

**שהם בטלים במציאות ואינם עולים בשם כלל לא שייך שם שינוי כלל (וזלע"ז [וזה לעומת זה] לבן דקליפה
מחליף משכורתו ממש ברמאות).**

از آنجاکه در وجود باطل اند و اصلاً به نامی خوانده نمی شوند، در آنجا اصلاً مفهوم «تغییر» صدق نمی کند. (و در برابر آن، لاوان کلیپا (kelipah) در عمل مزد یعقوب را با فریب تغییر می دهد.)

**והנה בחינת לבן דקדושה כנ"ל שם הוא מקור הרחמים העליונים מה שלמעלה מעלה מסדר
ההשתלשלות ואתערותא דילי' [דיליה] בבוקר דאברהם בחי' חסד**

اکنون، در مرتبه لاوان قدوس، چنان که پیش تر گفته شد، سرچشمه رحمت های برین قرار دارد؛ سرچشمه ای که بسیار، بسیار فراتر از نظم زنجیره نزول عوالم (השתלשלות, hishtalshelus) است. و برانگیختگی آن «در بامداد» ابراهیم (آברהם, Avraham)، مرتبه مهر (חסד, Chesed)، است؛ چنان که نوشته شده است (בראשית 22): «و ابراهیم بامدادان زود برخاست.»

**כמ"ש (בראשית כב) וישכם אברהם בבקר להמשיך رحמים להיות אתעדל"ע [אתערותא دلעילא] תלוי
באתעדל"ת [באתערותא دלתתא] המשכת הרחמים היא בבחי' חסד דאברהם.**

[این برخاستن] برای فرودآوردن رحمت است، تا برانگیختگی از بالا (אתערותא دلעילא, isarus dileila) به برانگیختگی از پایین (אתערותא دלתתא, isarus dilesata) وابسته باشد؛ فرودآوردن رحمت در جنبه مهر ابراهیم است.

وکماמר اهبت عولم اهبتنو کو' ابینو اب الرحمن کو'. وזהו וינשק לבניו هم هم בחי' השבטים (שהם בני בניו ובני בנים הרי هم כבנים)

چنانکه در دعا آمده است: «با عشقی جاودان ما را دوست داشته‌ای... ای پدرِ ما، ای پدرِ رحیم...» و این معنای «و پسرانش را بوسید» است: آنان همان مرتبهٔ قبایل‌اند (زیرا آن‌ها پسرانِ پسرانِ او هستند، و پسرانِ پسرانِ همچون پسران‌اند)، یعنی مرتبهٔ فرودآوردنِ برانگیختگی از بالا، چنانکه پیش‌تر گفته شد.

بחי' המשכת אתעדל"ע [אתערותא دلעילא] כנ"ל ובנותיו הן הן לאה ורחל עלמא דאתכסייא ועלמא דאתגלייא שלכל בחי' הללו נמשך בחי' לכן העליון בבחינת נשיקין ואתדבקות רוחא ברוחא.

مرتبهٔ فرودآوردنِ برانگیختگی از بالا، چنانکه گفته شد؛ و «دخترانش» همان لیا (Leah, لاها) و راحیل (Rachel, رحل)، جهانِ پنهان (עלמא دאתכסייא, alma de'iskasya) و جهانِ آشکار (עלמא دאתגלייא, alma de'isgalya)، هستند؛ زیرا مرتبهٔ لاوانِ برین، به صورتِ بوسه‌ها و «پیوندِ روح با روح»، به همهٔ این مراتب فرود آورده می‌شود:

לכל המשפיעים שהם בחי' בניו והמקבלי' [وהמקבלים] שהם בחי' بنותיו שיהי' [שיהיה] נשפע ونמשך בהם בחי' רחמים עליונים להיות אתעדל"ע [אתערותא دلעילא] תלוי באתעדל"ת [באתערותא דלתתא]. ویברך اتهام کو'.

به همهٔ فیض‌رسانان، که مرتبهٔ «پسرانِ او» هستند، و فیض‌پذیران، که مرتبهٔ «دخترانِ او» هستند، تا رحمت‌های برین در آنان افاضه و جاری شود؛ به‌گونه‌ای که برانگیختگی از بالا (אתערותא دلעילא, isarusaleila) به برانگیختگی از پایین (אתערותא דלתתא, isarusaleilata) وابسته باشد.

ענין הברכה כמ"ש (שם א) ویברך אתם אלקים ויאמר להם کو' ומלאו את הארץ וכבשה کو'. דהיינו שיהי' [שיהיה] תוספת ברכה והמשכה למטה עד דאתהפכא חשוכא לנהורא.

«و آنان را برکت داد، و الی آخر»: معنای برکت همان است که نوشته شده است (ibid. 1): «و اלקים (Elokim) آنان را برکت داد و به آنان گفت، و الی آخر: زمین را پر کنید و آن را تسخیر کنید، و الی آخر»؛ یعنی افزونیِ برکت و افاضه به عوالمِ فرودین، تا ظلمت به نور بدل شود.

وکמ"ש (שם יב) ونברכו בך כל משפחות האדמה ובזרעך שיהיו נברכים ונכללים כל בחי' הניצוצים שנפל בשבה"כ [בשבירת הכלים] בקדושתו של זרע יעקב.

و چنانکه نوشته شده است (ibid. 12): «و همهٔ خاندان‌های زمین به‌واسطهٔ تو برکت خواهند یافت»، و «به‌واسطهٔ نسل تو»؛ یعنی همهٔ جرقه‌هایی که در شکستنیِ ظرف‌ها فروافتادند، برکت یابند و در قدوسیتِ نسلِ یعقوب (יעקב) گنجانده شوند.

וילך וישב לבן למקומו שזמן הארת בחי' זו היא בבוקר זמן תפלת השחר אבל אחר התפלה מסתלק הארה זו

«و لا بان (לבן) رفت و به جایگاه خود بازگشت»: زیرا زمان تابش این مرتبه صبح است، هنگام نماز صبح؛ اما پس از نماز، این تابش کناره می‌گیرد.

ولכך צריך להתפלל בכל יום שבכל יום חוזר ונמשך הארה זו וחזר ונסתלק אחר התפלה.

از این رو باید هر روز نماز گزارد، زیرا هر روز این تابش از نو به پایین افزایده می‌شود و پس از نماز دوباره کناره می‌گیرد.

ויעקב הלך לדרכו בחי' יעקב יו"ד עקב הלך ונמשך בחי' תורה ומצות דתורה אקרי דרך (קדושין ב:)
וד"ל [ודי למבין]:

«و يعقوب به راه خود رفت»: مرتبه يعقوب، یعنی יו"ד (yud؛ [نام حرف ی]) [و] עקב (akev؛ پاشنه)، حرکت کرد و در مرتبه تورات و מצות (mitzvos؛ [فرمان‌های تورات]) جاری شد؛ زیرا تورات «راه» نامیده شده است (קידושין 2b). و این برای کسی که می‌فهمد بس است.



دربارهٔ این نسخه

.the English translation و This edition contains the Hebrew text

The Hebrew text of Torah Ohr: © Kehot Publication Society, via Sefaria, CC BY-NC 4.0; formatting adapted.

.Our English translation, made from the Hebrew without Kehot's notes: CC BY-NC 4.0

This edition as a whole: CC BY-NC 4.0. Shuls, schools and non-profit projects may copy, print and share it freely, and may ask for donations to cover the cost of printing; it may never be sold. Credit Kehot Publication Society and likuteitorah.com. <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

ترجمه و شرح انگلیسی: با کمک هوش مصنوعی (openai/gpt-6-luna-pro:batch) برای likuteitorah.com تهیه شده و با متن عبری و سفاریا مقابله شده است؛ هنوز ویراستار انسانی آن را بازبینی نکرده است. لطفاً هر مطلب مهمی را با متن عبری مقابله کنید.

ربه خواست که ماماریم پارشای آن هفته، «پارشای حسیدی»، در همان هفته و در طول هفت روز آن آموخته شوند (Sichah of Shabbos Parshas Vayakhel 5725 · Toras Menachem vol. 42, pp. 306–309 /parsha). چرا آن را بیاموزیم و برکات ربه: likuteitorah.com/about/the-chassidishe-parsha

پروژه‌ای رایگان و غیرتجاری؛ هیچ‌چیز در اینجا فروخته نمی‌شود. وابسته به Kehot, Sefaria یا کتابخانهٔ لوباوویچ نیست. © likuteitorah.com

[/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/vayeitzei/5](https://likuteitorah.com/fa/torah-ohr/vayeitzei/5) از

تقدیم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربه، رب لیوی بیتسخاک